

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مسد (جله اول)

ختم مفهومی استاد اخوت ۹۴/۴/۲۰

در سوره توحید بحث صفات، سوره کافرون بحث شاکله و سوره مسد بحث شخصیت است. بحث شخصیت قابل رویت است ولی شاکله و صفت انتزاعی است.

شخصیت: مجموعه‌ای از صفات است که تشخیص ایجاد می‌کند.

شاکله: محدوده یا محدودیت صفات است.

شاکله در دو مقام در قرآن آمده است و واژه شخصیت در قرآن را شاکله می‌دانیم.

در مورد صفت، شخصیت و شاکله دو موضوع مهم سیر رو به هدایت و سیر رو به ضلالت مطرح است.

نکته‌ای که در این بحث اهمیت دارد و بسیار باید توجه داشت، این است که موضوعی در قرآن مطرح می‌شود که در سوره مسد هم به طور مستقیم آمده است و آن هم نهایت وضعیت دنیا و آخرت فرد و جامعه است. یعنی به صورت خاص صفات جهنم و بهشت. در قرآن هر جا صفات بهشت و جهنم می‌بینید پرده از اسرار نهانی صفات، شاکله و شخصیت برمی‌دارد و به صورت فوق العاده مهارت تحلیل صفت، شاکله و شخصیت به انسان می‌دهد. در این راستا باید تحلیل از وضعیت خود و جامعه داشته باشیم. و بعد از مطالعه می‌توان صفات خود، محدودیت‌هایش، برآیند آن و صفات دیگر را بدست آورد و چنین فردی اولی الالباب می‌شود. لب دارد، تمایز صفات و تاثیرش بر صفات دیگر را می‌فهمد.

محصول این مطالعه تحلیل از وضعیت خود و تحلیل از وضعیت جامعه است. در تحلیل صفات یک صفت فرد داریم، یک صفت فرد در جامعه و یک صفت جامعه، و اینها با هم متفاوت‌اند.

علت اختصاص شاکله و شخصیت به سوره مسد:

"تبت یدا" یعنی آنقدر این حرکت استمرار پیدا کرد تا هلاک شد. صفت سیر یافته تا هلاکت. عکس ابی لهب را در قله بودنش گرفته است. همه صفاتش را آورده و شما شخصیتش را می بینید. صفاتش را رو کرد و حتی آن را اجتماعی هم کرد.

صفت ابی لهب از سه جنبه مورد بررسی قرار می گیرد. نسبت با پیامبر، فرد، قرشی بودن (رهبر یک جریان):

- شخصیت فردی ← شاکله فردی ← صفت فردی
- شخصیت اجتماعی ← شاکله فرد در اجتماع ← اجتماعی_صفت فردی
- شخصیت جامعه ← شاکله جامعه ← صفت جامعه

جامعه یک جریان قابل تکثیر و تولید است. ممکن است یک آدم موثر در آن باشد. با ورود پیامبر جامعه سه تکه می شود، زیرا قابلیت تولید و تکثیر دارد. در جامعه آدم هایی که در رأس جامعه هستند می توانند القاء صفات کنند و اینان آدمهای موثری هستند و صفاتشان می شود صفات جامعه. فضای کلی جامعه بر فضای فردی تفوق دارد.

در سوره مسد باید ابی لهب را در فضای جامعه تحلیل کرد و اگر در فضای فردی تحلیل شود باعث ایجاد شبهه می شود. برخلاف نظر برخی افراد هویت جامعه، هویت تک تک افراد نیست و طبق نظر حضرت علامه جامعه دارای هویتی مستقل از هویت تک تک افراد است.

قاعده کلی جامعه: جامعه همان افراد هستند که بواسطه تألیف بخش هایی از افراد جامعه برای مقصدی به صورت تخصصی شکلی از اعضای ساختار وجودی را به خود بگیرد.

هویت یک جامعه: تألیف افراد جامعه به گونه ای که به صورت تخصصی مشابه ساختار وجودی یک انسان، به صورت تخصصی فعالیت های مشخص انجام دهند.

در حوزه جامعه شناسی جوامع باطل شباهت کاذب به انسان پیدا می کنند، اما مدل مثبت را در آن پیدا نمی کنی.

هر حرکت اجتماعی که از جامعه صادر می شود (ابی لهب) در صدد تدارک بخشی برای رسیدن (امراته، حماله الحطب) به مقاصدش (هلاکت و خسران) است به صورت منفی و مثبت.

در صفات اجتماعی هر موقع دستی دیده شد باید سر آن را هم دید. اگر فردی کار یدی انجام می دهد باید مغز او را هم دید.

همه سوره کنایی است و ادبیات کنایی دارد. تب یدا منظور این نیست که دست او قطع شد، در جامعه منظور این است که او دست جامعه است و از همین جا می توان فهمید که آدم کودنی بوده، زیرا نسبت دست جامعه به او داده است نه نسبت عقل جامعه.

هر جامعه ای برای اجرای امورش احتیاج به دست دارد و ابی لهب در این سوره دست جامعه است.

امرأته کسی است که زوجیت و ترکیب ایجاد می کند و در لایه پنهان و درونی است، ممکن است در جامعه کسانی کار امرأته را بکنند که مرد هستند. در اینجا مقامش مهم است. امرأته وقتی می آید برای آن مرد گوارایی ایجاد می کند. چیزی که دلچسب و دلپذیر است.

امرأته در این جامعه شد همسر او، ممکن است در جامعه دیگری خانم او نباشد. در جوامع مختلف ممکن است زن و مردی اش تغییر کند.

ماله: دارائی ها، سیر در بی نیاز شدن

شخصیت: مجموعه صفاتی که در فرد بوجود می آید و او را در مسیر بی نیازشدنش سیر می دهد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات